



مرکز تحقیقات و نشریات

میراث صدرشیمه

دوازدهم

به کوشش

علی صدراپی خویی

همدی مهریزی

مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱ - ، گردآورنده.

میراث حدیث شیعه: دفتر ششم / به کوشش مهدی مهریزی و علی صدرایی
خوبی. - قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۵۵۲ ص.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. احادیث شیعه - مجموعه ها. ۲. ائمه اثنی عشر علیهم السلام - تاریخ. ۳. احادیث خاص
(حدیث عمران صابی). ۴. اجازات. الف. صدرایی خوبی، علی، ۱۳۴۲ - ،
گردآورنده همکار. ب. عنوان.

۲۹۷/۲۱۸

BP ۱۴۱/م ۹ م ۹

ISBN : 964 _ 7489 _ 06 _ 4

شابک: ۹۶۴-۷۴۸۹-۰۶-۴



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث شیعه / ۶

به کوشش:

مهدی مهریزی

علی صدرایی خوبی

امور اجرایی: حسین گودرزی

ویرایش: قاسم شیرجعفری، سید محمد دلال موسوی، تحسین پورسماوی
حروف نگاری: سلمان فردوسی، فخرالدین جلیوند / صفحه آرا: سید علی موسوی کیا

دفتر میراث حدیث شیعه: قم، خیابان ۱۹ دی، کوچه دهم، پلاک ۳۱
نشانی برای مکاتبه: قم، ص. پ. ۳۴۱۸ / ۳۷۱۸۵: تلفن: ۷۷۱۰۴۸۷، نمابر: ۷۷۱۹۱۹۰
نشانی در اینترنت: <http://www.hadith.net/magazine/mirath.htm>

پست الکترونیک: hadith@hadith.net

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اجازات

اجازات شیخ صالح بحرانی (۱۰۹۸ق)

سید جعفر حسینی اشکوری

إجازات محمد الأمين الإسترآبادي (۱۰۳۶ق)

علی فاضلی

اجازات شیخ صالح بحرانی (۱۰۹۸ق)

سید جعفر حسینی اشکوری

الحمد لله ربّ العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وآله
المتجبين، واللجنة الدائمة على أعدائهم أجمعين، من الآن إلى
قيام يوم الدين.

قرن نهم تا یازدهم هجری و دوران حکمرانی پادشاهان صفوی
را می توان عصر شکوفایی علوم معقول و منقول دانست. در این
دوران، دو مرکز اصلی برای این علوم وجود داشت که شیراز
و اصفهان بودند.

شیراز، در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم، با وجود عالمانی
چون: ملا جلال دوانی و صدر الدین محمد بن ابراهیم دشتکی
و فرزندش غیاث الدین منصور، پایگاهی مهم برای علوم
فلسفی بود که با ظهور ملا صدرای شیرازی و تشکیل حوزه
تدریس در این شهر، این اهمیت، به مرتبه اعلای خود رسید.

اصفهان نیز با وجود مدارس بسیاری که توسط دودمان صفوی و دیگران در آن بنا شده بود، با جذب و پرورش عالمان بزرگی از خارج و داخل ایران، به زودی مرکزیتی برای علوم اسلامی پیدا کرد و با ظهور عالمانی چون: مجلسی اول و دوم، فیض کاشانی، شیخ بهایی، علوم منقول در این خطه به اوج خود رسید.

در شیراز، با وجودی که جوی فلسفی حکمفرما بود، عالمی برخاست که تمام توجه وی، به علوم منقول معطوف بود و در اشاعه این علم و علوم وابسته به آن و پرورش و تربیت شاگردان، سهم بسزایی داشت و وی، کسی جز «شیخ صالح بن عبد الکریم بحرانی» نیست.

در این مختصر، بر آنیم تا شرح حال وی و نیز شاگردانش و اجازه دارندگان از او را با استفاده از اسناد و مدارک موجود، معرفی کنیم.

زندگی وی

نام کامل او «صالح بن عبد الکریم بن حسن بن صالح بن احمد بن ابراهیم بن کمال الدین بحرانی کرزکانی» است، چنان که در اجازه خود به محمد صادق رازی (اجازه بیست و هفتم از مجموعه حاضر)، به نسب خود، اشاره نموده است.

از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست؛ ولی آنچه مسلم است این که وی در بحرین و ظاهراً در یکی از قرای آن به نام «کرزکان» متولد شده و چند سالی را در آن بلاد گذرانیده است.

سپس به واسطه تنگی معیشت، به همراه دوستش شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی به شیراز آمده است.

مرحوم شیخ یوسف بحرانی، به نقل از پدرش دربارهٔ مسافرت آنان به ایران، چنین نقل کرده است:

وقد أخبرني والدي رحمه الله أنَّ هذين الشيخين خرجا من البحرين لضيق المعيشة إلى بلاد شیراز، وبقيا فيها برهة من الزمان، وكانت مملوءة بالفضلاء الأعيان، ثم إنهما اتفقا على أن يمضي أحدهما إلى الهند، ويقيم الآخر في بلاد العجم، فأيهما أئثرى أولاً أعان الآخر، فسار الشيخ جعفر إلى بلاد الهند واستوطن حيدرآباد، وبقي الشيخ صالح في شیراز، فكان من التوفيقات الربانية والأفضية السبحانية أنَّ كلًّا منهما صار علماً للعباد، ومرجعاً في البلاد، وانتادت لهما أئمة الأمور، وحازا سعادة الدنيا والدين في الوجود والصدور...^۱

گفتار بزرگان دربارهٔ وی

تمامی بزرگانی که نامی از شیخ صالح بحرانی در کتب تراجم خود آورده‌اند، از وی به بزرگی یاد کرده‌اند. از جمله، مرحوم شیخ حرّ عاملی در **أمل الآمل**، او را چنین ستوده:

فاضل عالم فقیه محدث صالح زاهد عابد معاصر، سكن شیراز إلى الآن.^۲

و نیز مرحوم میرزا عبد الله افندی اصفهانی در **رياض العلماء**، همان مطالب **أمل الآمل** را نقل کرده و در تعلیقه خود بر این

۱. لؤلؤة البحرين، ص ۷۰.

۲. أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۳۵.

کتاب، تاریخ فوت وی را ثبت نموده است.^۱

سید عبد الله جزائری در الإجازة الکبيرة، ضمن بیان شرح حال اساتید سید نعمت الله جزائری، درباره استادش چنین آورده:
والمقول عن المولى المحدث التقى الشيخ صالح بن عبد الكريم
البحراني...^۲

و شیخ علی بلادی بحرانی، در أنوار البدرین، درباره وی آورده است:
ومنهم العالم العامل الفقيه، الكامل الصالح الشيخ صالح بن
عبد الكريم الكرذکاني...^۳

همچنین سید محمد باقر موسوی خوانساری در روضات
الجنات، ضمن شرح حال شیخ جعفر بحرانی آورده است:
وكان له أيضاً مع الشيخ الفاضل المحدث الفقيه صالح بن
عبد الكريم الكرذکاني البحراني مصادقة تامة...^۴

و مرحوم محمد علی مدرّس تبریزی در ریحانة الأدب آورده
است:

شیخ صالح بن... عالمی است فقیه، فاضل، عابد، زاهد و
محدث، از اکابر علمای امامیه...^۵

و مرحوم شیخ عباس قمی در فوائد الرضویه، همان مطالب شیخ
حرّ عاملی در أمل الآمل را نقل کرده است.^۶

۱. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۷، تعلیقه امل الآمل، ص ۱۶۵.

۲. الإجازة الکبيرة، ص ۷۲.

۳. أنوار البدرین، ص ۱۲۷.

۴. روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۹۲ و ج ۴، ص ۱۱۸.

۵. ریحانة الأدب، ج ۱، ص ۲۳۱.

۶. فوائد الرضویه، ص ۲۱۱.

و شیخ سلیمان بن عبد الله ماحوزی بحرانی، در رساله‌ای که در شرح حال علمای بحرین نگاشته، درباره او آورده است:

الشیخ صالح بن عبد الکرم أصلح أهل زمانه، ساکن دار العلم شیراز.^۱

و مرحوم شیخ یوسف بحرانی در *لؤلؤة البحرين*، در بیان شرح حال مترجم، آورده است:

وكان هذا الشيخ فاضلاً ورعاً فقيهاً شديداً في ذات الله، انتهت إليه رئاسة البلاد المذكورة، وقام بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فيها أحسن قيام، و انتقلت إليه حكماؤها فضلاً عن رعيها لورعه وتقواه...^۲

همچنین در اجازه خود به سید بحر العلوم، در بیان اساتید شیخ سلیمان بحرانی، به روایت وی از بحرانی اشاره کرده و آورده است:

وعن الشيخ سليمان بن عليّ الشاخوري المقدّم، عن الشيخين الجليلين والمعتمدين التبيلين الشيخ...^۳

و نیز شیخ عبد الله بن صالح سماهیجی، در اجازه‌ای که به شیخ ناصر بن محمد خطّی داده، به اساتید استادش شیخ سلیمان بحرانی اشاره نموده و درباره شیخ صالح آورده است:

ومنهم الشيخ الأجل الصالح الشيخ صالح... وكان هذا الشيخ فقيهاً ورعاً كريماً صالحاً...^۴

۱. فهرست آل بویه و علماء بحرین، ص ۷۵-۷۶.

۲. *لؤلؤة البحرين*، ص ۶۸.

۳. اجازات الروایة، آقابزرگ تهرانی، مخطوط، ص ۹۴.

۴. همان، ص ۶.

و در اجازه‌ای که سید نعمت الله جزایری برای شیخ حسین جامعی نوشته، به استادش شیخ صالح اشاره نموده و آورده:
وَأَجَزْتَهُ أَيْضاً بِإِجَازَتِي عَنِ الشَّيْخَيْنِ الصَّالِحِينَ الْوَرَعَيْنِ...^۱

مرحوم سید عبد الحسین خاتون‌آبادی، در کتاب وقایع السنین والأعوام، ضمن وقایع سال ۱۰۹۸ق، آورده است:
فوت شیخ صالح، فاضل عالم مجتهد عصر خود و قاضی شیراز، شیخ صالح... در کمال فضل و حال بود و متوجه قطع و فصل معاملات مردم می‌شد...^۲

اساتید وی

در اجازات و مدارکی که از شیخ صالح بحرانی موجود است، به دو تن از بزرگ‌ترین مشایخ خود، تصریح نموده است:

۱- شیخ علی بن سلیمان بحرانی (م ۱۰۶۴ق)، در اجازه‌ای که شیخ صالح به محمد ابراهیم بواناتی داده و همچنین در اجازه‌ی به محمدنبی در پایان کتاب مشرق الشمسین شیخ بهایی اجازه‌ی روایت کتاب را از استاد مذکور به آنها داده است.

قابل ذکر است که شیخ علی بحرانی مذکور، غیر از شیخ علی بن سلیمان بحرانی از شاگردان علامه حلی است که در نام و نام پدر، مشترک هستند.

۲- سید نورالدین علی بن حسین موسوی عاملی (م ۱۰۶۸ق) که در اجازه‌ی مفصل بحرانی به محمد ابراهیم بواناتی، به نام وی

۱. همان، ص ۶۲.

۲. وقایع السنین والأعوام، ص ۵۴۲.

اشاره شده است. این اجازه، در روز دوشنبه ۱۲ ذی قعدة ۱۰۵۵ صادر شده که مقداری از متن آن را شیخ یوسف بحرانی در کتابش *لؤلؤة البحرين*، آورده است.^۱

شاگردان و اجازه گیرندگان از وی

در معرفی هر یک از اجازات، به مختصری از شرح حال شاگردان و اجازه گیرندگان بحرانی، اشاره شده و در مورد هر یک از مجازان، اگر از معاریف رجال بوده‌اند، به مصادری که شرح حال آنها را متذکر شده‌اند، اشاره‌ای شده، و در غیر معاریف، فقط به تاریخ اجازه و کتابی که اجازه گیرنده نزد بحرانی خوانده و نیز محل نگهداری اجازه، اکتفا کرده‌ایم.

اجازات این بخش، در سه دسته تقسیم‌بندی شده که عبارت‌اند از:

۱- اجازاتی که نام شخص مجاز در آن مشخص شده است. در این گونه اجازات اگر مجاز دارای چند اجازه بوده، آنها را به ترتیب تاریخ اجازه آورده‌ایم.

۲- اجازات به اشخاصی که نام آنها در کتب تراجم ثبت است، ولی به متن اجازه آنها به دلایل مختلف دست نیافته‌ایم، که در این بخش، اگر مقداری از اجازه در یکی از مصادر نقل شده، به همان مقدار، اکتفا شده است.

۳- اجازاتی که نام مجازان در آنها نیامده، که در این قسمت فقط به متن اجازه اکتفا کرده‌ایم.

۱. *لؤلؤة البحرين*، ص ۴۲.

تألیفات وی

در اکثر مصادری که شرح حال شیخ صالح بحرانی در آنها آمده، به تألیف سه رساله مختصر از وی، اشاره شده است:

الف. الخمر وأحكامه

رساله‌ای است در بیان حرمت شراب و احکام فقهی مترتب بر شرب آن، تألیف شده به نام امیر محمد زمان خان در ۲۳ رمضان ۱۰۶۴، و در ابتدای آن، به روایت خود از سید نورالدین مذکور، اشاره نموده است.^۱

این رساله، به نام «مطلع السعادات في تحريم الخمر والمسكرات» نیز معرّفی شده است.^۲

ب. رسالة الجبائر

رساله‌ای است در بیان احکام و ضوی جبیره که از تاریخ تألیف آن اطلاعی در دست نیست. این رساله در بعضی مصادر، به نام «رسالة في الجنائز» معرّفی شده است.^۳

ج. شرح الأسماء الحُسنى

رساله‌ای است در شرح اسمای الهی که از معروف‌ترین تألیفات بحرانی است و در اکثر مصادر، به آن اشاره شده است.^۴

۱. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۷، ص ۲۵۳ (به نقل از سماهیجی در اجازه‌اش).

۲. همان، ج ۲۱، ص ۱۵۳.

۳. همان، ج ۵، ص ۷۹ و ۸۸ و ۱۴۹، کشف الحجب والأستار، ص ۲۵۳ (ش ۱۳۳۴).

۴. همان، ج ۲، ص ۱۳ و ۶۷ و ۸۹.

اشعار وی

بحرانی گاهی به سرودن شعر نیز می پرداخته و از جمله اشعاری که از وی ثبت شده، یک رباعی است که در جواب ابن راوندی سروده است.

رباعی ابن راوندی:

کم عاقل عاقل أعیت مذاهبه و جاهل جاهل تلقاه مرزوقا
هذا الَّذي ترك الأوهام حائرة وصیر العالم النحریر زندیقا
جواب شیخ صالح:

إنَّ الكريم الَّذي يعطى على قدرٍ یراه ذو اللبِّ إحساناً وتوفيقاً
فذو الجهالة مرزوق لیملكه وذو النباهة مِن ذاصار ممحوقاً^۱

قضایات وی

شیخ صالح بحرانی، در شیراز به رتق و فتق امور مردم می پرداخته و در امر به معروف و نهی از منکر، بسیار جدی بوده است، تا آن که رسماً از طرف شاه سلیمان صفوی، به منصب قضایات شیراز برگزیده می شود.

بعد از رسیدن حکم و جُبُّه قضا به شیراز، شیخ صالح، راضی به پوشیدن جبه نمی شود و بعد از آن که اطرافیان، وی را از غضب پادشاه می ترسانند، در بعضی مصادر آمده که وی، جبه را مانند عبا روی دوشش می انداخته است.^۲

۱. انوار البدرین، ص ۱۲۸.

۲. لؤلؤة البحرين، ص ۶۹؛ نجوم السماء، ص ۸۴.

از تاریخ صدور این فرمان، اطلاعی نیافتیم و ظاهراً از هنگام رسیدن این فرمان، وی رسماً منصب قضاوت را کنار گذاشته و دیگر متعرض اختلافات مردم نمی شده است و بیشتر همت خود را صرف تدریس و تربیت شاگردان نموده است. چنان که مرحوم خاتون آبادی در وقایع السنین والأعوام، در این باره نوشته است:

در کمال فضل و حال بود و متوجه قطع و فصل معاملات مردم می شد تا این که حرف او مذکور شد در خدمت نواب اشرف اقدس شاه سلیمان، در تقرّب عالی حضرت متعالی فضلعلی بیکا، و شیخ صالح را قاضی کردند و رقم نوشته شد و بعد از رفتن رقم اشرف، دیگر شیخ مزبور، نه متعرض افتا شد و نه متعرض قطع و فصل معاملات شد.^۱

البته در اجازاتی که از بحرانی بین سال های ۱۰۵۹ تا ۱۰۹۸ ق، برای شاگردانش صادر شده، می توان چنین حدس زد که این فرمان، قبل از سال ۱۰۵۹ ق، بوده؛ چرا که وی حدود سی سال، حوزه تدریس دایری داشته است.

وفات و محل دفن وی

سرانجام در ماه شعبان ۱۰۹۸ یا حدود این ماه، روح این عالم بزرگ و محدّث فقیه، از دار فانی به حیات باقی شتافت و پیکر مطهرش در جوار مزار سید علاءالدین حسین، به خاک سپرده شد.^۲

۱. وقایع السنین والأعوام، ص ۵۴۲.

۲. لؤلؤة البحرين، ص ۶۸، وقایع السنین والأعوام، ص ۵۴۲.

نکته‌ای که در زندگانی شیخ صالح بسیار مورد توجه است، آن که وی، اهتمام زیادی در رواج علم حدیث و علوم وابسته به آن داشته است و چنان که خواننده محترم در اجازات ملاحظه می‌کند، کتب مختلفی را در این علم تصحیح و مقابله نموده است.

مرحوم شیخ یوسف بحرانی، در *لؤلؤة البحرين*، وی را به جهت جامعیتی که داشته، بسیار ستوده و این عبارت را در مدح وی آورده است:

ونشر العلوم والتدريس فيها، ولا يكاد يوجد كتاب في جميع
الفنون في شيراز إلا وعليه تبليغه بالمقابلة عليه...^۱

والحمد لله أولاً وآخراً وظاهراً وباطناً.

۱. لؤلؤة البحرين، ص ۶۹.

(۱)

شیخ حسین بن محمد بن مسلم بحرانی بصری شیرازی

در بصره متولد شد و ساکن شیراز بوده و در اصل خطی^۱ است. او از شاگردان شیخ صالح بحرانی است که در پایان تهذیب الأحکام، اجازه‌ای از وی به تاریخ ۱۵ ربیع الثانی ۱۰۸۶ دریافت کرده است. این اجازه، یکی از اجازات نسبتاً مفصّلی است که او به شاگردانش داده و در آن، اساتیدش را بر شمرده است.^۲

[۸]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله تعالى الذي جعلنا من حملة الأخبار، ومن علينا بولاية الأنعمة المعصومين الأطهار، والصلاة والسلام على من قال: «من كذب علي متعمداً فليتبوء مقعده من النار»^۳ وآله حفظه الدين وحماة الشرع المبين عن الإقلال والإكثار، صلاة وسلاماً يتواتران عليهم تواتر الليل والنهار.

۱. «خط» نام محلی است در بحرین.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۷، ص ۵۳ (ش ۲۴۵۷)؛ تراجم الرجال، ج ۱،

ص ۱۸۵.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۴، ح ۵۷۶۲.

وبعد، فإن الأخ في الله والصافي في سبيل الله مَن بذل جهده في تحصيل الطاعات واكتساب الكمالات؛ من حَمَدَت سيرته، وطابت سيرته، وطابق سرّه الإعلان، ووافق ضميره اللسان، الشيخ الصفيّ الوفيّ الحفيّ، الذكيّ البهيّ المتقيّ، الألمعيّ اللوذعيّ الفاضل الكامل الحسين بن محمّد بن مسلم البحرانيّ، الخطيّ أصلاً، البصريّ مولداً، الشيرازيّ الآن موطناً، وإنّه سمع عليّ جملة من الأحاديث المنقولة عن أهل البيت عليه السلام، فيها كفاية لأمثاله.

والتمس منّي أن أُجيز له روايتها، سيّما الكتب الأربعة التي فيها غنية للبيب الأديب؛ الكافي، ومن لا يحضره الفقيه، والاستبصار، والتهديب، فاستخرت الله وأجرت له ما صَحَّ إجازته عن مشايخي - طاب ثراهم - بحق روايتهم:

منهم: سيدنا السند المحقّق الإمام العلامة المقتدي نور الدين بن^١ عليّ بن الحسين بن أبي الحسن الحسيني الموسوي، عن مشايخه، منهم الإمامين العاملين المحققين شمس الملة والدين السيد محمّد - صاحب المدارك - أخيه لأبيه، والشيخ الأجل المدقّق الشيخ حسن بن المرحوم الشيخ زين الدين المشهور بالشهيد الثاني أخيه لأُمّه، عن جماعة:

منهم: الشيخ حسين بن عبد الصمد الحارثي العاملي، عن شيخه الشيخ الأوحد الشيخ زين الدين المشار إليه، عن شيخه المحقق الشيخ علي بن عبد العالي العاملي الميسي، عن شيخه الشيخ شمس الدين محمّد بن المؤذن الجزيني، عن شيخه ضياء الدين عليّ بن الشيخ الشهيد محمّد بن مكّي، عن سلطان العلماء الشيخ فخر الدين أبي طالب محمّد بن الشيخ الإمام الحجّة العلامة الحسن بن مطهر الحلّي، عن والده - طاب ثراه -، عن شيخه نجم الملة والحقّ والدين جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد، عن السيد السعيد شمس الدين أبي عليّ فخر بن معد الموسوي، عن شيخه

١. لفظ «بن» زائد است.

الإمام شاذان بن جبرئیل القمی، عن الشیخ الفقیه عماد الدین أبی جعفر محمد بن القاسم الطبري، عن الشیخ أبی علی الحسن بن الشیخ السعید أبی جعفر محمد بن الحسن الطوسي، عن والده مؤلف التهذیب و الاستبصار، عن الشیخ المفید أبی عبد الله محمد بن محمد بن النعمان - طاب ثراه -، عن أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، عن ثقة الإسلام محمد بن یعقوب الكلینی - مؤلف الکافی -، وعن الشیخ المفید، عن رئیس المحدثین محمد بن علی بن الحسین بن بابویه - مؤلف من لا یحضره الفقیه - . فلیرو عَنّی ما شاء لمن یشاء مشروطاً علیه ما شرط علیّ من سلوک جادّة الاحتیاط فی الروایة والدرایة .

وكتب أقلّ خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - عفي عن والديه وعنه - في اليوم الخامس عشر من شهر ربيع الثاني للسنة (١٠٨٦) السادسة والثمانين وألف، ملتصقاً منه الدعاء عقيب الصلوات وساعات الخلوات لأتھما مظنة إجابة الدعاء، والله تعالى الحمد وحده، وصلى الله تعالى على من لا نبی بعده، محمدًا وآله الطاهرين .

(۲)

شیخ حمزة نجفی

وی کتاب من لا یحضره الفقیه را نزد شیخ صالح بحرانی خوانده و در آخر آن، اجازه‌ای به تاریخ روز ۲۸ شوال ۱۰۷۵ از او دریافت کرده است.^۱

در کتاب نابغة فقه و حدیث آمده که شیخ حمزة بن شمس الدین نجفی، اجازه‌ای از شیخ صالح به سال ۱۰۹۲ داشته است و در طبقات اعلام الشيعة، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی، همان اجازه را از روی نسخه‌ای از معانی الأخبار که نزد مرحوم شیخ عباس قمی بوده، ثبت کرده است.^۲

۱. فهرست کتاب‌خانه دانشکده علامه طباطبائی شیراز، ش ۶۰۳.

۲. نابغة فقه و حدیث، ص ۱۸۷؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۱)، ص ۲۸۶.

[۲]

أنهائه سماعاً عليّ الأخ الصالح ذو الفضل الراجح، المخلص الصفي الذكي الألمعي الشيخ الأود الشيخ حمزة النجفي ختم الله تعالى له لصالح الأعمال، فأجزت له روايته بطريقي الواصلة إلى مؤلفه، مشروطاً عليه ما شرط عليّ من الاحتياط روايةً وعملاً.

وكتب داعيه أقلّ خلق الله تعالى وعبد صالح بن عبد الكريم البحراني باليوم الثامن والعشرين من شهر شوال سنة ۱۰۷۵، سائلاً منه - سلّمه الله تعالى - الدعاء في مظانه، والله الحمد، وصلى الله على محمد وآله.

(۳)

زين العابدين حایری

کتاب من لا يحضره الفقيه را نزد استادش خوانده و وی، اجازه‌ای به تاریخ جمادی الأولى ۱۰۷۸ به او داده است.^۱ همچنین در پایان این نسخه نیز اجازه نسبتاً مفصل تری به تاریخ ۲۸ ربیع الأول ۱۰۷۹ برای وی نوشته است.

[۳]

بسم الله الرحمن الرحيم

أصح حديث نقل وأحسن خبر عُقل وأقوى كلام..^۲ حمد من تواترت آلاؤه وتسلسلت أياديهِ ونعمائه وصلاته على خير من أسس أساس الدين وأوضح الأدلة

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۲، ص ۱۴۷ (ش ۵۴۴).

۲. در نسخه کلمه‌ای ناخواناست.

والبراهين محمد أفضل من أرسل وأشرف من سبّل السبل، وآله مروّجي أحكام الشريعة وزاقي بعلومهم فراخ الشيعة، صلاة لا انقطاع لها ولا نهاية لغايتها.

أمّا بعد، فإنّ المولى الفاضل الجليل والجناب المذهب الأصيل، سلالة الأطايب والمات بدوحة آل أبي الظاهر الفاخر ذو المكارم والمآثر، سلالة العلماء الأعيان وذروة الأماجد أهل الفضل والشأن مولانا ميرزا زين العابدين الحائري -أصلح الله تعالى وبلغه من الفضائل آماله- سمع عليّ كتاب من لا يحضره فقيه هذا من فاتحته إلى خاتمته، ومن بدايته إلى نهايته، سماعاً دل على رقيه مدارج إكمال وصعوده ذوي المعالي والإفضال، وأفاد خلال المباحثة بالتنبيه على ما غاب عن الخاطر الفاتر، فأجزت له -أدام الله تعالى إجلاله- رواية ما تضمّنه، مشروطاً عليه ما شرط عليّ من الاحتياط التام في العمل والرواية.

وكان منتهى سماعه ليوم الثامن والعشرون من شهر ربيع الأول سنة (١٠٧٩) تسع وسبعين وألف، وكتب أقلّ خلق الله تعالى وأحوجهم إلى رحمته وعفوه يوم تبلى السرائر وتكشف الضمائر عبده الجاني صالح بن عبد الكريم البحراني -عُفي عن والديه وعنه- سائلاً منه الدعاء حياةً وموتاً حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً.

[٤]

أنها -أيده الله تعالى وأدام فضله وإفادته- المولى الجليل الأعظم الفاضل مولانا زين العابدين من أوّله إلى هنا، فأجزت له روايته وما صحّ له أنّه من مروياتي ومسموعاتي ومقرواتي، مشروطاً عليه ما شرط عليّ من الاحتياط.

وكتب أقلّ خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني -عُفي عن والديه وعنه- وكان ذلك الخامس شهر جمادي الأولى سنة ١٠٧٨ حامداً مصلياً مسلماً على محمد وآله.

[illegible][illegible]

(۴)

شیخ علی بن احمد بن محمد بن احمد احسائی بحرانی

مشهور به «الوادى»

او نسخه‌ای از زبدة الأصول شیخ بهایی را به تاریخ ۶ رمضان ۱۰۵۵ نگاشته و آن را نزد استادش شیخ صالح بحرانی خوانده و در پایان آن، استاد، اجازه‌ای به تاریخ ۱۹ شوال ۱۰۶۰ برای وی نگاشته است.^۱

[۵]

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد حمد الله سبحانه وصلاته على من ختمت به الرسالة وآله المنقذين من الغواية والضلالة.

فقد قرأ عليّ الشيخ الجليل الفاضل الكامل التقي الشيخ علي -أعلى الله شأنه- هذه الرسالة الأنيقة من مبادي اللغة إلى هنا قراءة نظر واعتبار في مجالس آخرها تاسع عشر شهر شوال للسنة (۱۰۶۰)، والتمست منه -سلمه الله تعالى- إجراء هذا المذنب على صفحات خاطره وقت دعائه.

وكتب داعيه فقير الله صالح بن عبد الكريم البحراني -عفي عنهما- والله الحمد وحده، وصلى الله على محمد وآله.

(۵)

ملا محمد

وی مالک نسخه‌ای از کتاب مصباح السالکین کمال الدین میثم بحرانی بوده و آن را

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۲۲، ص ۲۹۹ (ش ۸۷۶۳).

نزد استادش شیخ صالح بحرانی خوانده و او در پایان جزء اول کتاب، اجازه‌ای به تاریخ ۲۳ جمادی الأولى ۱۰۸۸ و در پایان جزء سوم نیز اجازه‌ای به تاریخ ۲۶ جمادی الأولى ۱۰۹۰ برای وی نگاشته است.^۱

[۶]

انتهی سماع المولی الأجل الفاضل الأوحّد الأمجد ملا محمّد مالک الکتاب - سلّمه الله تعالی - قرأ سماع متدبّر منقّر، وكان ذلك في اليوم الثالث والعشرين من شهر جمادی الأولى لسنة ۱۰۸۸.

وكتب أقلّ خلق الله تعالی صالح بن عبد الكريم البحراني سائلاً منه الدعاء.

[۷]

هو

انتهی سماعه - أيده الله تعالی - من أوله إلى هنا مالک الکتاب - وفقه الله تعالی لمراضیه وإتمامه والعمل بما فيه - فأجزت له روايته عن مشايخي مشروطاً عليه ما شرط عليّ من الاحتياط في الرواية والدراية.

وكتب أقلّ خلق الله تعالی صالح بن عبد الكريم البحراني - عفي عن والديه وعنه - لسادس عشرين شهر جمادی الأولى سنة ۱۰۹۰، والله الحمد، وصلى الله على النبی وآله وسلّم.

(۶)

محمّد إبراهيم بن عبدالله بوناتی (یواناتی)

او در شیراز، بین سال های ۱۰۸۲ تا ۱۰۸۳ ق، نسخه‌ای از کتاب من لا یحضره الفقیه

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آیه الله مرعشی، ج ۴، ص ۳۸۷-۳۸۸ (ش ۱۵۸۱).

را نگاشته و خود حواشی مناسبی را انتخاب و در آخر نیز فهرست مشیخه را تنظیم نموده است که دلالت بر فضل و عنایت وی به علوم حدیث دارد.

ناسخ، این کتاب را بر سه تن از اساتیدش خوانده و هر یک، اجازه‌ای به وی داده‌اند. این سه تن عبارت اند از:

۱- علامه ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی که در پایان جزء سوم کتاب، اجازه‌ای در ربیع الاول ۱۰۸۷ و در آخر مشیخه کتاب، اجازه دیگری در آخر ربیع الأول ۱۰۸۸ و نیز در هنگام مراجعت بحرانی به وطنش، اجازه‌ای دیگر برای وی نگاشته که این اجازه، در اجازات بحار الأنوار، مندرج است.

۲- ملا عبد الرزاق جیلانی شیرازی، که در آخر ابواب زیارات، اجازه‌ای بدون تاریخ و در پایان کتاب، اجازه دیگری در ۱۴ رجب ۱۰۸۴ق، برای وی نگاشته و در آن، یکی از مشایخ اجازات خود را شیخ صالح بحرانی معرفی کرده است.

۳- شیخ صالح بن عبد الکریم بحرانی، که در آخر کتاب، اجازه‌ای به تاریخ شب ۲۶ ذی قعدة ۱۰۸۵ برای وی نگاشته و این اجازه، از مفصل ترین اجازات شیخ صالح است که به یکی از شاگردانش داده است.^۱

[۸]

بسم الله الرحمن الرحيم

وأحمد الله تعالى على تواتر نعمائه وترادف آلائه، وأصلي على أفضل أنبيائه وأكمل أصفياه محمد خير من شرع الشرع وبينه، وأحكم أساس العلم وأتقنه، وآله

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آية الله مرعشي، ج ۱۳، ص ۲۳۸-۲۳۹ (ش ۵۰۴۲)؛ تراجم الرجال، ج ۲، ص ۵۷۶ و ۵۷۸؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۱۲۴؛ إجازات الحديث، ص ۱۵۱؛ نجوم السماء، ص ۲۱۵؛ الكواكب المنتشرة، مخطوط؛ زندگینامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۱۰، (الإجازات)، ص ۱۴۵.

[illegible][illegible]

الهداة إلى الصراط المستقيم الدائمين على الطريق الواضح القويم، صلاة تواصل ووادفها بهواديها وتلاحق أعجازها بمباديها.

ثم إنَّ المولى الأجل المتَّقِي، والفاضل الكامل اللوذعي، صائب الفكر والحدس، المجتهد في تحصيل ما به كمال النفس، الأبرز الحليم المؤاتي ملاً محمَّد إبراهيم البوناتي، معنَّ أجهد نفسه في تحصيل ما به النجاة من المعارف الدينية والعلوم اليقينية، فرجح منها بحظاً وافر ونصيب مكاثراً، وسمع منِّي من الأحاديث النبوية والآثار المصطفوية ما فيه الكفاية، والتمس من داعيه وقت العزم على المفارقة واللاحق بمسقط رأسه وموضع أنسه إجازة ما صحَّ لي روايته من الكتب المشهورة بين أصحابنا - رضوان الله تعالى عليهم أجمعين - كما يأتي عليها التنبيه الكافي و التهذيب والاستبصار ومن لا يحضره فقيه.

فأجزت له روايتها بطريقي الواصلة إلى مؤلفيها عن شيخنا الإمام المقتدى، علامة زمانه ومرجع أهل أوانه السيد السعيد نور الدين بن^١ علي بن الحسين بن أبي الحسن الحسيني العاملي، عن شيخه وأخويه الإمامين البارعين أخيه لأبيه العلامة الأوحد شمس الدين محمَّد وأخيه لأمه عماد الفضل والتدقيق حسن بن المرحوم الشيخ زين الدين الشهير بالشهيد الثاني - طاب ثراهم - عن جماعة من مشايخه:

منهم: السيد علي والد السيدين المشار إليهما، والحسين بن عبد الصمد العاملي، والسيد العابد نور الدين علي بن السيد فخر الدين الهاشمي.

ح: وعن شيخنا الإمام السعيد العالم الرباني الشيخ علي بن ميثم البحراني، عن المقدَّس السعيد إمام الكل في الكل بهاء الملة والدين محمَّد العاملي، عن والده المقدَّس الحسين بن عبد الصمد الحارثي كلَّهم إجازة عن الشهيد الثاني - رفع الله تعالى درجته كما شرف خاتمته -، عن شيخه المحقِّق علي بن عبد العالي العاملي

١. لفظ «بن» زائد است.

الميسي عن الشيخ شمس الدين محمد بن المؤذن الجزيني، عن الشيخ ضياء الدين علي بن الشيخ الشهيد الأول محمد بن مكي رحمته الله عن والده، عن شيخه الشيخ فخر الدين أبي طالب محمد بن آية الله العظمى الحسن بن يوسف بن المطهر الحلي المشهور في الآفاق بالعلامة، عن والده رحمه الله تعالى، [عن] شيخه أفقه الفقهاء وأعلم العلماء أبي القاسم جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد، عن السيد السعيد أبي علي فخار بن معد الموسوي، عن الشيخ الإمام أبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي، عن الشيخ الفقيه عماد الدين أبي جعفر محمد بن القاسم الطبري، عن الشيخ أبي علي الحسن بن الشيخ الإمام شيخ الطائفة المحقة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي مؤلف التهذيب والإستبصار، عن والده، عن الشيخ السعيد أبي عبد الله المفيد، عن أبي القاسم جعفر بن محمد قولويه القمي، عن ثقة الإسلام محمد بن يعقوب الكليني مؤلف الكافي.

والشيخ المفيد يروي عن محمد بن علي بن الحسين بن بابويه مؤلف من لا يحضره الفقيه، وهو الواسطة بينه وبين الشيخ الطوسي - طاب ثراه - في الرواية عنه، وقد يكون غيره كما حُقِّق في محله.

فليرو المولى المشار إليه - وفقه الله تعالى لمراضيه - الكتب الأربعة المذكورة، بل ما صَحَّ له أنه من مقرواتي ومسموعاتي ومجازاتي ومؤلفاتي، لمن أحبَّ وأراد، مشروطاً عليه ما شرط عليّ المشايخ وشرط عليهم من سلوك جادة الاحتياط في الرواية والدراية، وأن لا يسرع في النقل بالتظنن، والتمست منه - أيده الله تعالى - أن يجربني في بعض الأوقات سيّما أوقات الخلوات على صفحات لسانه، وأن يجعله لي في بعض الأوقات بجنانه.

وكتب أقلَّ خلق الله تعالى وأحوجهم إلى رحمة ربّه الغني، صالح بن عبد الكريم البحراني - سامحه الله تعالى يوم تبلى السرائر وتنكشف فيه الضمائر - بالساعة الخامسة من الليلة السادسة من العشر الأواخر من شهر ذي القعدة الحرام أحد شهور السنة الخامسة والثمانين وألف (١٠٨٥)، والله تعالى الحمد وعلى محمد وآله أكمل التحيات وأفضل الصلوات كما أوضح لنا المتشابهات، وعلى كرام صحبه الذين لم

یفارقوا أهل بيته، ولم يبدلوهم تبديلاً وسلم تسليمًا كثيرًا.

(۷)

محمد امین

نسخه‌ای از کتاب التوحید شیخ صدوق را نزد شیخ صالح بحرانی خوانده و وی، اجازه‌ای در ۲۸ شوال ۱۰۷۹ به او داده است.^۱

[۹]

هو

انتهی سماع زبدة الأفاضل الكامل المذهب الجلیل مولانا الثقة الأمين محمد أمين - آمنه الله تعالى من المخاوف - لهذا الكتاب من أوله إلى آخره سماع متأمل، فأجزت له روايته عنّي بطريقي إلى مؤلفه مشتركاً عليه ما شرط عليّ من الاحتياط، وكان ذلك باليوم الثامن والعشرين من شهر شوال سنة ۱۰۷۹.

وكتب أقلّ خلق الله تعالى وأحوجهم إلى رحمته صالح بن عبد الكريم البحراني - غفني عن والديه وعنه - سائلاً منه الدعاء في مظانّه، سيما عقيب الخلوات خصوصاً أعقاب الصلوات.

(۸)

محمد تقی شیرازی

بین سال های ۱۰۷۳ تا ۱۰۹۲ق، کتاب مختلف الشيعة علامة حلی رادو بار نزد شیخ صالح بحرانی خوانده و وی در پایان بعضی قسمت های این کتاب، اجازاتی برای او به تاریخ های ذیل نگاشته است:

۱- پایان جزء پنجم کتاب، به تاریخ ۹ جمادی الثانی ۱۰۷۳.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، ص ۴۴۲، (ش ۳۲۶).

- ۲- ابتدای کتاب النکاح، در غرة ربیع المولود ۱۰۹۰.
 - ۳- پایان کتاب النفقه، در ۲۸ ربیع الثانی ۱۰۹۰، برای مرتبه دوم.
 - ۴- پایان جزء چهارم، در ۱۱ ربیع الثانی ۱۰۹۰.
 - ۵- ابتدای کتاب العتق، در ۲۳ جمادی الأولى ۱۰۹۰.
 - ۶- ابتداء کتاب الأیمان، در ۱۴ جمادی الثانی ۱۰۹۰.
 - ۷- پایان جزء پنجم، در ۲ رجب ۱۰۹۰، برای مرتبه دوم.
 - ۸- پایان جزء ششم، در ۲۱ محرم ۱۰۹۲.
 - ۹- پایان کتاب، در ۲۸ ربیع الأول ۱۰۹۲^۱.
- همچنین در بعضی نسخه‌ها، اجازاتی از شیخ صالح بحرانی برای شخصی به نام «محمد تقی» نگاشته شده که احتمال می‌رود همین شخص باشد. این نسخه‌ها عبارتند از:
- الف. پایان کتاب الصوم نسخه‌ای از الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، به تاریخ ۱۲ جمادی الأولى ۱۰۷۵^۲.
 - ب. پایان جزء دوم همان نسخه، به تاریخ ۷ ذی حجة ۱۰۷۵.
 - ج. پایان نسخه‌ای از کتاب القواعد والفوائد شهید اول به تاریخ ۱۸ ربیع الأول ۱۰۷۰^۳.
 - د. پایان نسخه‌ای از کتاب الکافی به تاریخ ۹ ربیع الأول ۱۰۷۰^۴.

۱. فهرست کتاب‌خانه مدرسه امام عصر (عج) شیراز، ص ۱۲۸ (ش ۳۱۱).

۲. کتاب‌خانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم، (ش ۶۰۷).

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آیه الله مرعشی، ج ۳، ص ۳۲۱-۳۲۲ (ش ۱۱۴۷).

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آستان قدس رضوی، ج ۱۴، ص ۴۳۶ (ش ۱۵۴۰۴).

[١٠]

هو

أنهائه أيده الله تعالى قراءة من أوائل أبواب عيوب النكاح مولانا الفاضل الكامل القدوة التقى النقي الذكي البهي الألمعي مولانا ملا محمد تقى سلمه الله تعالى في أوقات آخرها تاسع شهر جمادي الثانية سنة (١٠٧٣) ثلاث وسبعين وألف .

وكتب أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم - عفي عنهما - سائلاً منه - أدام الله تعالى إقباله - إجراء هذا الحقيق على خاطره الخطير في أوقات الإجابة كما هي عادته سيما على هذا الجاني ، والله الحمد ، وصلى الله على محمد وآله .

[١١]

هو

بعد حمد الله وصلاته على محمد وآله ، فقد انتهى قراءة المولى الفاضل المشروح بعض شريف أوصافه سابقاً ، وفقه الله تعالى لإتمامه وبلوغه غاية مراده ، وكان ذلك في غرة شهر ربيع المولود فيه أشرف موجود للسنة (١٠٩٠) .

وكتب داعيه ومخلصه أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني مجيزاً له ما أجزت له سابقاً ، سائلاً منه الدعاء في مظانه ، والله الحمد وحده ، وصلاته على خير خلقه محمد وآله .

[١٢]

هو

أنهائه أيده الله تعالى ثانياً قراءة علي من أوله إلى هنا ، وكان ذلك في اليوم الثامن والعشرين من شهر ربيع الثاني أحد شهور السنة (١٠٩٠) ، وقد أجزت له كما أجزت .

وكتب أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - عفي عن والديه وعنه - سائلاً منه الدعاء أيده الله تعالى في مظانّه، والحمد والصلاة لمستحقها.

[١٣]

أنهاء أيده الله تعالى قراءةً كما أنهاء من أوّله - وفقه الله تعالى لمرضيه، وجعل يومه خيراً من ماضيه - وكان ذلك في اليوم الحادي عشر من شهر ربيع الثاني للسنة (١٠٩٠) التسعين والألف، وأما الإجازة له أيده الله تعالى فقد تكررت.

وكتب داعيه أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - عفي عن والديه وعنه - سائلاً منه الدعاء في أوقاته، خاتماً له بالحمد والصلاة لمستحقها أمين.

[١٤]

هو

أنهاء حفظه الله تعالى قراءةً من أوّله إلى آخره، وفقه الله تعالى لمرضاته وإتمامه على النهج القويم، وثبته على الصراط المستقيم.

وكان ذلك في اليوم الثالث والعشرين من شهر جمادى الأولى سنة ١٠٩٠، وكتب داعيه أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - عفي عن والديه وعنه - حامداً مصلياً مسلماً، سائلاً منه الدعاء.

[١٥]

هو

انتهى قراءة المولى أيده الله تعالى من أوّله إلى هنا - وفقه الله تعالى لمرضيه وإتمام باقيه والعمل بما فيه - وكان ذلك في اليوم الرابع عشر من شهر جمادى الثانية سنة ١٠٩٠.

وكتب أحقر الأنام وأقل خلقهم صالح بن عبد الكريم البحراني -عُفي عن والديه وعنه - سائلاً منه الدعاء في مظانّه وأوقاته، حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً لذنوبه وعبوبه .

[١٦]

هو

انتهت قراءة المولى الموفق المشار إليه -سَلَّمه الله تعالى وزيد توفيقاً وهدايةً إلى مرشد داريه بحقّ محمّد وآله - فأجزت له ثانياً، كما أجزت له أولاً، سائلاً منه ثانياً ما سألت منه سابقاً، وكان ذلك في اليوم الثاني من شهر رجب المرجب سنة ١٠٩٠ .
وكتب أقل خلق الله تعالى، صالح بن عبد الكريم البحراني -عُفي عن والديه وعنه-.

[١٧]

هو

حمداً لمن أوجب الحمد لنفسه، والصلاة والسلام على خير خلقه من جنّه وإنسه، وآله الَّذِينَ أوجب الله تعالى طاعتهم وأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً .
فقد انتهى إلى هنا قراءة الأخ الأعز الأوحّد، الفاضل قدوة الناسكين، وزبدة السالكين مولانا الأورع النقيّ مولانا محمّد تقّي الشيرازي، وكان ذلك في اليوم الحادي والعشرين من شهر محرم الحرام سنة ١٠٩٢، وفقّه الله تعالى لإتمام ما بقي وهو خير من سئل، والحمد لله تعالى أولاً وآخرأ .

وكتب داعيه أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني -عُفي عن والديه وعنه-.

[١٨]

هو

الحمد لله تعالى حسن الابتداء والاختتام، وعلى أشرف الذوات محمّد وآله الهداة أفضل الصلاة والسلام .

فقد انتهت قراءة المولى الأجل الفاضل قدوة الأماثل زبدة الأفاضل العالم العامل البهي الزكي الذكي الألمعي اللوذعي مولانا محمد تقي - أحسن الله تعالى عاقبته - لهذا الكتاب الذي لم يصنف مثله أولوا الأبواب من ابتدائه إلى انتهائه، فأحسن التأدية بفهم المعاني وإتقان المباني.

وكان ذلك في اليوم الثامن والعشرين من شهر ربيع الأول سنة ١٠٩٢ هجرية نبوية، على مهاجرها وآله ألف ألف صلاة، وألف ألف تحية.

فأجزت له روايته ممن أحب وأراد بمن يؤدي ما أرى بطريقي المنتهية إلى مؤلفه - طاب ثراه - مشروطاً عليه ما شرط من الثبوت في القول والعمل.

وكتب أقل خلق الله تعالى وأحوجهم إلى عفو، مخلصه القديم صالح بن عبد الكريم البحراني سائلاً منه الدعاء في مظانه، كما أنا له كذلك مستغفراً حامداً مصلياً مسلماً على من ختمت به الرسالة محمد وآله الأطايب.

[١٩]

بلغ سماعه من كتاب الصوم إلى هنا تارة بقراءة الغير وتارة سماعاً مني المولى الفاضل الصالح التقي الرضي مولانا ملا محمد تقي أصلح الله تعالى شأنه، فأجزت له روايته بطريقي الواصلة إلى مؤلفه طاب ثراه، وكان الفراغ منه ثاني عشر من شهر جمادي الأولى سنة ١٠٧٥.

وكتب أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم - عفي عنهما - سائلاً منه الدعاء [في] مظان الخلوات وأوقات الصلوات، والحمد لله تعالى وصلى الله على محمد وآله.

[٢٠]

هو

بلغ سماعه عليّ بقراءة الغير - وفقه الله تعالى لمراضيه ووفقه لما يحبه في أمر داريه بحق محمد وآله - فأجزت له روايته بطريقي الواصلة إلى مؤلفه - رضي الله تعالى

عنه - مشروطاً عليه الاحتياط .

وكتب أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم - غُفي عنهما - السابع شهر ذي الحجة الحرام سنة ١٠٧٥ حامداً مصلياً مسلماً على النبي وآله .

[٢١]

بسم الله الرحمن الرحيم

قواعد الكلام وأصوله ، وفروع النطق ومحصله ، حمد من يبتدأ به ويختتم ، ويجب الثناء عليه بما هو أهله ويتحتّم ، والصلاة على مؤسس الأحكام الشرعية وبانيها ، وممهد المسائل الدينيّة ومنشئها ، وعلى حملة ما شرع ونقله ما شرح ، وأبدع صلاة تكون لنا بها الفوائد يوم العرض على الواحد .

وبعد ، فقد قرأ عليّ المولى الفاضل زبدة الأفاضل الأماثل ، الصالح الورع التقى الذكي اللودعي مولانا ملا محمّد تقي - بلغه الله تعالى مراقي الكمال بمحمّد والآل - قراءة إتقان وإيقان ، وكان آخرها ثامن عشر من شهر ربيع الأول سنة ١٠٧٠ .

وكتب أقل خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - غُفي عنهما - سائلاً منه الدعاء وقت الصلوات وأعقاب الخلوات ، وأجزت له روايتها بطريقي إلى مؤلفها ، والحمد لله .

[٢٢]

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلّى الله على محمّد وآله الطاهرين .

أما بعد ، فقد قرأ عليّ المولى الفاضل الكامل الذكي الألمعي المذهب الجليل الصفي الملازم على الطاعات مولانا ملا محمّد تقي وفقه الله تعالى لرقبي معارج الكمال بمحمّد والآل هذا الكتاب من أوله إلى آخره بقراءتي وسماعه سماع متقن ، فأجزت له

روایتہ بطریق الموصلة إلى أئمة الهدى - عليهم الصلاة والسلام - مشروطاً عليه ما شرط عليّ من كمال الاحتياط، وكان ذلك في مجالس آخرها أشرف أعياد المؤمنين تاسع شهر ربيع الأول سنة ۱۰۷۰.

وكتب داعيه أقلّ خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - غُفي عنهما - سائلاً منه الدعاء في أوقات الخلوات ومطانّ الإجابات، والله الحمد، وصلى الله على محمد وآله.

(۹)

محمد محسن بن محمد امين

اونسخه‌ای از کتاب مختلف الشيعة در تملک خود داشته و آن را نزد شیخ صالح خوانده و وی، در پایان «کتاب الوصية» اجازه‌ای به تاریخ غرة ربيع الأول ۱۰۹۰، و سپس در آخر کتاب نیز اجازه دیگری به تاریخ ۲۸ ربيع الأول ۱۰۹۲ برای او نگاشته است.^۱

[۲۳]

هو

أنهاه سماعاً عليّ بقراءة غيره - أدام الله تعالى عزّ إقباله - في غرة ربيع الأول سنة ۱۰۹۰. وكتب أقلّ خلق الله تعالى عبده صالح بن عبد الكريم البحراني سائلاً منه الدعاء في مظانّه، حامداً لله تعالى، ومصلياً على رسوله وآله آمين.

[۲۴]

هو

انتهی سماع مالک حسن الأقوال والأفعال مولانا الأجلّ الأقبل المولی میرزا

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آية الله مرعشي، ج ۱۸، ص ۴ (ش ۶۸۰۲)؛ تراجم الرجال، ج ۲، ص ۷۶۹.

محمد محسن أحسن الله تعالى أحواله ، ودفعه لكل خير بحق النبي وآله ، في عدة مواطن آخرها اليوم الثامن والعشرين من شهر ربيع المولود أشرف موجود للسنة ١٠٩٢ ، فأجزت له روايته بطريقي إلى مؤلفه - طاب ثراه - مشروطاً عليه ما شرط عليّ من رعاية الاحتياط في النقل والعمل .

وكتب أقلّ خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - غُفي عن والديه وعنه - حامداً لله تعالى ، مصلياً على رسول الله وآله الهداة ، مستغفراً من ذنوبه ، سائلاً منه الدعاء في مظانّه .

(١٠)

ميرزا محمد حسين شيرازي

او يك سوم كتاب من لا يحضره الفقيه رانزد شيخ صالح بحراني خواننده ووى ، اجازه‌ای در پایان کتاب ، به تاریخ ٢٩ ربيع الأول ١٠٩٨ به او داده است .^١

[٢٥]

هو

سمع عليّ الأخ الصفي والحبر الوفي مولانا الفاضل ، المجدّ في تحصيل الكمال ، والوقوف على أجلّ الخصال مولانا ميرزا محمد حسين الشيرازي ثلث من هذا الكتاب يقرب من ثلثه الأخير ، سماع فاحص سائل فطن ، فأجزت له رواية الكتاب من أوّله إلى آخره بطريقي إلى مشايخي ، وكان ذلك في اليوم التاسع والعشرين من شهر ربيع الأول سنة ١٠٩٨ .

وكتب أقلّ خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - غُفي عن والديه وعنه - سائلاً منه الدعاء في مظانّه ، والله الحمد وحده ، وصلى الله على محمد وآله .

١ . فهرست کتابخانه دانشکده علامه طباطبائی شیراز ، ش ١٣٥ .

(۱۱)

محمد کریم شوشتری

او نسخه‌ای از کتاب **تنزیه الانبیاء** شریف مرتضی را نزد شیخ صالح بحرانی خوانده است و شیخ، اجازه‌ای به تاریخ ۲۰ شوال ۱۰۸۰ برای او نگاشته است.^۱

[۲۶]

هو

أنهـاء الأخ الفاضل الصفي الفاضل الأجل اللوذعي الذكي الألمعي شمساً للإفادة مولانا محمد کریم الشوشتری - حفظه الله تعالى عن بوابق الزمان وطوارق الحدثان - سماعاً عليّ سماع متأمل لمعانيه فاحص عن مبانيه، فأجزت له روايته عني عن مؤلفه بطريقي إليه - طاب ثراه - مشروطاً عليه ما شرط عليّ من سلوك جادة الاحتياط التي لا تفضل سالكها ولا تظلم مسالكها.

وكتب - أقلّ خلق الله في ذات الله تعالى - صالح بن عبد الكريم البحراني - عفي عن والديه وعنه - باليوم العشرين من شهر شوال سنة ۱۰۸۰ حامداً مصلياً مسلماً سائلاً منه الدعاء في مظانه خصوصاً عقيب الصلوات وفي الخلوات.

(۱۲)

محمد صادق رازی

او نسخه‌ای از کتاب **مصباح السالکین** کمال الدین میثم بحرانی را نزد شیخ صالح بحرانی خوانده و وی، اجازاتی در ۲۳ جمادی الأولى ۱۰۸۸ و ربیع الثانی ۱۰۹۱ به او داده است.^۲

۱. فهرست کتابخانه اهدایی محمد مشکات، ج ۳، ص ۵۷۱ (ش ۶۸۹)؛ تراجم الرجال، ج ۲، ص ۷۶۶؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱۱، ص ۲۰، طبقات أعلام الشيعة (ق ن ۱۱)، ص ۴۶۶.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۲۷، ص ۲۸ (ش ۱۰۵۳۶).

[٢٧]

الحمد لله تعالى المفتتح كتابه الشريف بحمده، والبالغ في حميد الأوصاف ما لا يبلغه مخلوق بجده، والصلاة والسلام على أفصح من نطق بالضاد بين قریش وبني سعد، وآله المجلبين الفصحاء وراء ظهورها حجازيها وقاطبي نجد.

وبعد، فقد قرأ عليّ الأخ الأعزّ الفاضل شمس سماء العوارف والفضائل، المتوشّح بأردية الانزواء في زوايا الخمول وإن لم يكن له مماثل، المولى الأجلّ الفائق محمّد صادق الرازي - أصلح الله تعالى أحواله وبلغه من الخيرات آماله - الكتاب الشريف الموصوف بأنّه فوق كلام المخلوق ودون كلام الخالق نهج البلاغة من كلام أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب إمام المغارب والمشارق، مع شرحه الفائق أقرانه في حميد الأوصاف العالم الرباني الشيخ ميثم بن عليّ بن ميثم البحراني قراءة منبئ عن مبانیه، ومفصح عن معانيه، وأفاد في أثنائها من استفاد، وأحسن المداقة وأجاد، فأجزت له روايتهما بطريقي الواصلة إلى مهذب نهج سبيل الحق الإمام المعصوم عليّ بن أبي طالب عليه وآله من الصلوات أفضلها ومن التحيات الفاضلة أكملها، وإلى المتشرف بخوض هذه اللجة الغامرة والمقتطف من أنوار أزهارها أزاهيرها المؤنقة الزاهرة، الشارح المشار إليه قدس الله تعالى نفسه النفيسة في رياض حدائق الجنان مختفياً ومرتشفاً الأتراب العرب الحسان، حسبما نقلت وبيّنت في مظانها، مُشرطاً عليه ما شرط عليّ من حسن الرعاية في الرواية والدراية، وكان ذلك في شهر ربيع الثاني أحد شهور السنة ١٠٩١ الحادية والتسعين وألف.

وكتب مخلصه العبد المذنب الجاني صالح بن عبد الكريم بن حسن بن صالح بن أحمد بن إبراهيم بن كمال الدين البحراني الكركزكاني، ملتمساً منه أيّده الله الدعاء في أوقاته وخلواته كما أنا كذلك، والله الحمد وحده، وصلى الله على محمّد وآله الطاهرين وسلّم.

(۱۳)

ملک احمد خفري

نسخه‌ای از کمال الدین و تمام النعمه را نزد شیخ صالح بحرانی خوانده و در پایان آن، شیخ، اجازه‌ای در ۲۷ رجب ۱۰۹۵ به وی داده است.^۱
 متن این اجازه در نجوم السماء (ص ۸۵) نقل شده است.

[۲۸]

أنهأه أئده الله تعالى سماعاً صاحب الكتاب الأعزَّ الأجلَّ الأوحد الأمجد مولانا
 ملك أحمد الخفري هده الله تعالى سواء الطريق من أوله إلى آخره، وكان ذلك في يوم
 مبعث خير البرية السابغ والعشرون من شهر رجب للسنة ۱۰۹۵.
 وكتب داعيه أقلَّ خلق الله تعالى وأحقرهم إليه صالح بن عبد الكريم البحراني
 - غُفي عن والديه وعنه -، والله الحمد وحده، وصلى الله على محمد وآله الأعلام.

(۱۴)

نجم الدين

او نسخه‌ای از کتاب اربعون حديثاً شیخ بهایی را نزد استادش شیخ صالح بحرانی
 خوانده و وی، اجازه‌ای در ۱۱ شوال ۱۰۶۹ برای او نوشته است.^۲
 در بعضی کتب آمده که سید نجم الدین جزایری، برادر بزرگ سید نعمه الله
 جزایری است و به سال ۱۰۷۹ ق، فوت کرده است.^۳

۱. نجوم السماء، ص ۸۵، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۱)، ص ۵۸۴.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آية الله مرعشي، ج ۲۶، ص ۲۰۳-۲۰۴ (ش ۱۰۲۴۰)؛ أمل الأمل،

ج ۲، ص ۳۳۴؛ الأنوار النعمانية، ص ۴۶۵؛ رياض العلماء، ج ۵، ص ۲۳۹.

۳. نابغة فقه و حديث، ص ۳۵۱-۳۵۴.

[۲۹]

أنها سلمه الله تعالى ووقفه لرضائه سماعاً بقراءة غيره عليّ من أوله إلى هنا السيّد
السند الكامل نجم الدنيا والدين - سلمه الله تعالى - سماع تدبّر وتأمل، وكان الفراغ من
ذلك حادي عشر شهر شوال لسنة ۱۰۶۹.

وكتب أقلّ خلق الله تعالى صالح بن عبد الكريم البحراني - غُفي عنهما - مجيزاً له
روايته بطريقي إلى مؤلفه - رضي الله تعالى عنه - مُشترطاً عليه الاحتياط، وسائلاً منه
الدعاء أوقات الخلوات، سيّما عقيب الصلوات، والحمد [لله] وحده، وصلى الله على
محمّد وآله الطاهرين.

(۱۵)

سید نعمة الله بن عبد الله جزایری

نسخه‌ای از قصیده شاطبیه را نزد شیخ صالح خوانده و وی، اجازه‌ای در ۱۴ صفر
۱۰۷۰ در پایان نسخه برای وی نگاشته است.^۱

در تحفة العالم (ص ۹۹) آمده که سید، در هشت سالگی از جزایر^۲ به شیراز آمده
است و مدت نه سال از محضر اساتید آن شهر و از جمله آنها شیخ صالح بحرانی
استفاده نموده است و سپس، به اصرار پدر و مادر، به جزایر برگشته و پس از ازدواج،
برای بار دوم به شیراز بازگشته است و ظاهراً اجازه مذکور در ذیل در سفر دوم وی به
شیراز اخذ گردیده؛ چراکه با توجه به تاریخ ولادت سید در سال ۱۰۵۰، با سفر اول
وی - که در هشت سالگی و در سال ۱۰۵۸ صورت گرفته - سازگار نیست.^۳

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ش ۲۴؛ نابغه فقه و حدیث، ص ۱۸۴ - ۱۸۵.

۲. ناحیه‌ای در غرب خوزستان.

۳. أمل الآمل، ج ۲، ص ۳۳۶؛ تعلیقه أمل الآمل، ص ۳۲۸؛ روضات الجنات، ج ۸، ص ۱۵۰ - ۱۵۹؛

[٣٠]

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله على الافتتاح والاختتام، وعلى أشرف أنبيائه وآله عليهم الصلاة والسلام.

وبعد؛ فقد قرأ عليّ السيّد السند المهذب، الفاضل الكامل الذكيّ الألمعي، بدر سماء الإقبال السيّد نعمة الله بن السيّد عبد الله الجزائري - سلّمه الله تعالى، ورقاه إلى الغاية القصوى - من إكمال هذه القصيدة الفائقة، قراءةً فهم وتحقيق وضبط، وفقه الله تعالى لإتقانها وإقرائها، وكان الفراغ من ذلك صبح اليوم الرابع عشر من شهر صفر للسنة ١٠٧٠.

وكتب أقلّ داعيه الأقلّ صالح بن عبد الكريم - عفي عنهما - بمنه سائلاً منه الدعاء، سيّما بعد الصلوات والخلوات.

﴿ تلامذة العلامة المجلسي، ص ١٣٩ و ١٤٠؛ الإجازة الكبيرة، ص ٧٠-٧٧؛ تحفة العالم، ص ٩٩-١٠٥؛ تذكرة شوشتر، ص ١٥٦-١٥٧؛ نجوم السماء، ص ١٦٨؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن ١٢)، ص ٧٨٥-٧٨٩.